

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2025; 17: e28

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Examining the Attribution of Sharḥ al-Qānūn fī al-Ṭibb to Allāmah al-Ḥillī: A Codicological and Historical Study (Internal Criticism of a Manuscript and Analysis of the Context of an Error)

Hamed Arezaei¹ , Zahra Alamdar^{1,2*} 

1. Department of Medical Sciences History, School of Persian Medicine, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Student Research Committee, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The tradition of writing commentaries on earlier scholars' works has been a pivotal factor in the advancement of knowledge throughout history. Avicenna (Ibn Sina) is among the scholars whose works have consistently attracted the attention of subsequent scientists. Allāma al-Ḥillī (648-726 AH) alongside thinkers such as Khwāja Naṣīr al-Dīn al-Ṭūsī and Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī, is a distinguished figure in the tradition of interpreting Avicenna's work, whose lifetime coincided with the "avicennian revival in Maragheh". Among his works, a commentary on Avicenna's Canon (Sharḥ-e Al-Qānūn fī al-Ṭibb) has been cited, the only reported manuscript of which is preserved in the Mar'ashī Najafī Library in Qom. The present study aims to introduce this manuscript while verifying the authenticity of its attribution to Allāma al-Ḥillī.

Methods: This research was conducted using a documentary-library method. Initially, drawing upon codicological analysis (nuskha shinasi), the manuscript in question was introduced. Subsequently employing methodologies of textual criticism (matn-pazhuhi), the attribution of the work was critically examined and evaluated.

Ethical Considerations: In this research, the principles of integrity in citation, authenticity of sources and avoidance of bias in referring to texts or analyses have been observed.

Results: Although Allāma al-Ḥillī articulated medical perspectives within his works, the existence of an independent work in the form of a commentary on the Canon has not been established. A comparative analysis of several manuscripts of *Al-Ṭuḥfa al-Sa'dīyya* by Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī's reveals a complete correspondence between its text and the manuscript housed in the Mar'ashī Najafī Library.

Conclusion: Based on the evidence, it appears that the unique manuscript reported as 'Allāma al-Ḥillī's commentary on the Canon is, in fact, the text of *Al-Ṭuḥfa al-Sa'dīyya* by 'Allāma Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī. The similarity in the honorific title of these two scholars, as well as the potential existence of a gloss (*ta'līqa*) by *Al-Hillī* on a book titled *Qanun* (likely a different text or context) led to an erroneous attribution by the cataloger.

Keywords: Ibn Sīnā; Al-Qānūn fī al-Ṭibb; Commentaries on the Canon; Allāma al-Ḥillī; Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī

Corresponding Author: Zahra Alamdar; **Email:** alamdar.z@iums.ac.ir


Received: July 31, 2025; **Accepted:** November 02, 2025; **Published Online:** January 6, 2026

Please cite this article as:

Arezaei H, Alamdar Z. Examining the Attribution of Sharḥ al-Qānūn fī al-Ṭibb to Allāmah al-Ḥillī: A Codicological and Historical Study (Internal Criticism of a Manuscript and Analysis of the Context of an Error). *Tārīkh-i pizishkī, i.e., Medical History*. 2025; 17: e28.



بررسی انتساب «شرح القانون فی الطب» به علامه حلی: مطالعه‌ای نسخه‌شناختی و تاریخی (نقد درونی یک دست‌نویس و واکاوی زمینه‌های یک اشتباه)

حامد آرزائی^۱، زهرا علمدار^{۱*} 

۱. گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده طب ایرانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سنت شرح‌نویسی بر آثار دانشمندان پیشین، از عوامل مؤثر بر پیشرفت دانش در طول تاریخ بوده است. ابوعلی سینا از جمله دانشمندانی است که آثارش همواره مورد توجه دانشمندان بعد از خود قرار گرفته است. علامه حلی (۶۴۸-۷۲۶ ه.ق) در کنار اندیشمندانی چون خواجه نصیرالدین طوسی و قطب‌الدین شیرازی، از چهره‌های شاخص در سنت تفسیر آثار ابن سینا به شمار می‌رود که دوره زندگی‌اش با «ظهور ابن سیناگرایی در مراغه» هم‌زمان است. در میان آثار وی، شرح *قانون ابن سینا* نیز ذکر شده که تنها نسخه خطی گزارش شده از آن در کتابخانه مرعشی نجفی قم نگهداری می‌شود. این مقاله، ضمن معرفی این نسخه، در صدد بررسی صحت انتساب این اثر به علامه حلی است. **روش:** این پژوهش به روش اسنادی - کتابخانه‌ای انجام شد. ابتدا با تکیه بر دانش نسخه‌شناسی، نسخه خطی مد نظر معرفی گردید و سپس با استفاده از روش‌های متن‌پژوهی، انتساب اثر مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش اصل امانت‌داری در استناد، اصالت منابع و پرهیز از جانب‌داری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها رعایت شده است. در این پژوهش اصل امانت‌داری در استناد، اصالت منابع و پرهیز از جانب‌داری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها رعایت شده است. **یافته‌ها:** اگرچه علامه حلی در آثار خود دیدگاه‌هایی در زمینه مبانی طب را بیان نموده، اما داشتن اثر مستقلاً در قالب شرحی بر *قانون* ثابت نشده است. مقایسه چند نسخه خطی از کتاب *التحفة السعدیة* قطب‌الدین شیرازی نشان از تطبیق کامل متن آن با نسخه کتابخانه مرعشی نجفی دارد.

نتیجه‌گیری: بر اساس شواهد، به نظر می‌رسد متن تنها نسخه خطی گزارش شده به عنوان شرح *قانون علامه حلی*، همان متن *التحفة السعدیة* علامه قطب‌الدین شیرازی باشد. تشابه لقب این دو دانشمند و همچنین احتمال وجود تعلیقه‌ای از حلی بر کتابی با نام *قانون*، باعث اشتباه فهرست‌نویس در انتساب اثر شده است.

واژگان کلیدی: ابن سینا؛ القانون فی الطب؛ شروح قانون؛ علامه حلی؛ قطب‌الدین شیرازی

نویسنده مسئول: زهرا علمدار؛ پست الکترونیک: Alamdar.z@iums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Arezaei H, Alamdar Z. Examining the Attribution of Sharh-e al-Qanun fi al-Tibb to Allama Al-Hilli: A Codicological and Historical Study (Internal Criticism of a Manuscript and Analysis of the Context of an Error). *Tārīkh-i pizishkī*, i.e.,

مقدمه

نگاشته‌های موجود در حاشیه‌های نسخ خطی گاهی می‌توانند پرده از ابهامات تاریخی بزرگ بردارند، اما در مواردی نیز باعث بروز خطاهای فاحش در تاریخ علم شده‌اند (۱). در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم، نسخه‌ای با شماره ۱۲۷۵ وجود دارد که در آغاز آن عبارت «کتاب شرح علامه بر قانون» درج شده (تصویر ۱) و فهرست‌نویس آن را به عنوان شرح علامه حلی بر قانون به ثبت رسانده است. همین عبارت کوتاه، پرسشی بزرگ را پیش روی محققان قرار داده است: آیا حسن بن یوسف بن مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ ق.) - فقیه، اصولی و متکلم برجسته امامیه که در ۲۸ سالگی رهبری علمی حله با ۴۰۰ مجتهد را بر عهده گرفت (۲-۳) - واقعاً شرحی بر کتاب القانون فی الطب ابن سینا نگاشته است؟ این پژوهش می‌کوشد با به‌کارگیری دو روش تکمیلی به این پرسش پاسخ دهد: نخست، با رویکردی نسخه‌شناختی و درون‌متنی، متن نسخه ۱۲۷۵ را با یکی از شروح شناخته‌شده قانون - یعنی تحفه سعديه - مقایسه می‌کند تا میزان انطباق ساختاری و محتوایی آن را آشکار سازد. سپس، با رویکردی تاریخی و برون‌متنی، زمینه‌های انتساب این اثر به علامه حلی را واکاوی می‌نماید.

انتساب نادرست آثار به مؤلفان، از چالش‌های پیچیده نسخه‌شناسی و تاریخ‌نگاری علم به شمار می‌رود. چنین خطاهایی نه تنها سبب بدفهمی در تحلیل‌های علمی می‌شوند، بلکه می‌توانند هویت فکری دانشمندان و شبکه ارتباطات میان متون را نیز دگرگون جلوه دهند. (برای نمونه: ن.ک. انتساب‌های بحث برانگیز آثار ابن سینا (۴-۵)). در مورد پیش‌رو، نه تنها در منابع معتبر تراجم و فهرس آثار علامه حلی همچون أمل الآمل (۶) و لؤلؤة البحرین (۷) هیچ اشاره‌ای به چنین شرحی دیده نمی‌شود، بلکه حوزه تخصصی او - بنا به قرائن متعدد - فاصله آشکاری با سنت تألیف آثار پزشکی دارد. با این وجود، برخی منابع متأخر مانند قانون ابن سینا؛ شارحان و مترجمان آن و جامع الشروح و الحواشی، این شرح را بدون

ارائه شواهد تاریخی یا نسخه‌شناختی محکم به علامه حلی نسبت داده‌اند (۸-۹).

پرسش اصلی این است: چه عوامل تاریخی و زمینه‌ای باعث شده متنی که (چنان‌که در بخش نخست مقاله نشان خواهیم داد) آشکارا با یکی از شروح شناخته‌شده کتاب قانون هم‌خوانی دارد، به علامه حلی منسوب گردد؟ برای پاسخ به این پرسش باید به بستر فکری عصر ایلخانی توجه کرد؛ عصری که سنت شرح‌نویسی بر آثار ابن سینا (همچون شروح فخر رازی، قطب‌الدین شیرازی و خواجه نصیرالدین طوسی) جریانی پویا بود (۱۰-۱۱). علامه حلی نیز به عنوان یکی از شخصیت‌های بزرگ سده هفتم و هشتم قمری (۱۲-۱۳) در برخی آثار خود با مفاهیم فلسفی و منطقی ابن سینا مواجه شده و حتی در مواردی به نقد آن‌ها پرداخته است (۱۰، ۱۴). نخستین شرح بازمانده از کتاب الشفاء ابن سینا، نیز از او است: کتابی با عنوان کشف الخفاء من کتاب الشفاء (۱۵) که در زمان همکاری حلی با وزیر ایلخانی، رشیدالدین همدانی و هم‌زمان با «ظهور ابن سیناگرایی در مراغه» تألیف شده است (۱۱)، اما آیا این تعامل علمی به معنای ورود جدی او به سنت شرح‌نویسی طبی است؟ و آیا وجود تنها یک نسخه برای اثبات چنین انتسابی کفایت می‌کند؟

هدف این مقاله، فراتر از تصحیح یک انتساب نادرست است؛ کشف علل زمینه‌ای رخداد این خطا نیز در کانون توجه قرار دارد. چگونه شهرت علامه حلی به جامعیت علمی، پیچیدگی‌های لقب‌شناسی در سنت اسلامی، عنوان مشابه نام کتاب‌ها، شرایط خاص علمی عصر ایلخانی یا پیوندهای احتمالی با چهره‌ای چون شمس‌الدین کیشی، خواجه طوسی و قطب‌الدین شیرازی می‌توانسته زمینه‌ساز این اشتباه شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها، چراغی برای بازخوانی انتقادی دیگر نسبت‌های نامستند در میراث مکتوب اسلامی خواهد بود.

علی‌رغم تدوین فهرست‌های نسبتاً جامعی از آثار علامه حلی و نیز شروح قانون ابن سینا، انتساب تعداد قابل توجهی از آثار

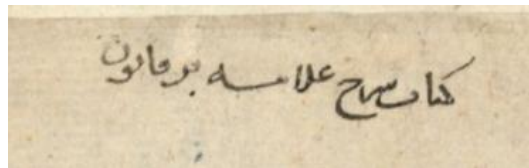
حلی)، از جمله این موارد است که تاکنون به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است.

این پژوهش در دو گام اساسی انجام پذیرفت: نخست، بررسی و سنجش نظام باب‌بندی و ترتیب مباحث در هر دو نسخه و سپس، مقایسه دقیق نمونه‌های متنی از نظر عبارت‌پردازی و اصطلاح‌شناسی تخصصی. برای اطمینان از دقت نتایج، همزمان از چند منبع بهره گرفته شد که در جدول شماره ۱ ذکر شده است (تلاش بر این بوده که متن نگاشته شده در جدول (غیر از نقطه‌گذاری) کاملاً مطابق با نسخه خطی باشد. لذا ویرایش نگارشی روی آن صورت نگرفت).

۱- نسخه خطی کتابخانه مرعشی (شماره ۱۲۷۵): این نسخه در سال ۹۹۶ قمری کتابت شده و مشتمل بر ۲۲۷ برگ است.
۲- دست‌نویس شماره ۳۹۰۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی: نسخه‌ای کامل از کتاب است که در سال ۸۸۹ قمری نوشته شده و دارای ۸۱۵ برگ یا ۱۶۳۰ صفحه است.

۳- دست‌نویس شماره ۳۶۵۶ کتابخانه فیض‌الله ترکیه: این نسخه بخشی از یک مجموعه هشت‌جلدی از تحفه سعدیه است (در صفحه آغازین جلد آخر، عبارت «الجلد الآخر» خط خورده و «الثامن» جایگزین آن شده است). نکته حائز اهمیت ناپیوستگی متن بین جلد هفتم و هشتم است؛ به‌گونه‌ای که جلد هشتم (همان نسخه مورد استناد این پژوهش) از میانه کتاب آغاز می‌شود. شش در فهرست خود این مجموعه را نه‌جلدی دانسته و اظهار داشته که جلد هشتم آن مفقود است (۱۸-۱۹). هرچند این دست‌نویس انجامه ندارد و نام کاتب در آن درج نشده، ولی مقایسه دست‌خط آن با سایر دست‌نوشته‌های زین‌العرب مصری، شاگرد نزدیک علامه قطب‌الدین شیرازی، نشان می‌دهد که این اثر به خط او کتابت شده است. این امر، با توجه به اهتمام ویژه‌ای که زین‌العرب به سنت شرح‌نویسی بر قانون داشته، بر ارزش این دست‌نویس می‌افزاید. شایان ذکر است که زین‌العرب که سابقه شاگردی قطب‌الدین شیرازی در علوم گوناگون، از جمله پزشکی را دارد، بعدها بخش‌های ناتمام شرح او را تکمیل نمود و تلخیصی از آن نیز پدید آورد. از او علاوه بر تألیف آثار علمی، کتابت‌هایی از آثار پزشکی گذشتگان (برای نمونه شرح القانون علاء‌الدین

همچنان با تردیدهای جدی روبه‌رو است و بررسی دقیق‌تر را می‌طلبد. اثر مورد مناقشه حاضر (شرح قانون منتسب به علامه



تصویر شماره ۱. برشی از بخش انتساب نسخه کتابخانه آیت‌الله

مرعشی به شماره بازیابی ۱۲۷۵

روش

در این پژوهش، برای گردآوری داده‌ها، از پایگاه‌های اطلاعاتی علمی و معتبر، از جمله Noormags, JSTOR, Google Scholar و Pubmed بهره گرفته شده است. منابع انتخاب‌شده عمدتاً شامل مقالات پژوهشی، کتاب‌های علمی و منابع مرجع در حوزه مطالعات تاریخی و بین‌رشته‌ای بوده‌اند.

یافته‌ها

۱. نقد درونی (مقایسه نسخه‌شناختی با تحفه سعدیه)

۱-۱. کشف شباهت‌های متنی در بستر سنت شرح‌نویسی: در جریان پژوهش نظام‌مند خود درباره شروع مختلف بر القانون فی الطب ابن سینا، با موردی غیر معمول مواجه شدیم: نسخه‌ای که در فهرس به علامه حلی نسبت داده شده بود (شماره ۱۲۷۵)، شباهت‌های ساختاری و محتوایی بسیار زیادی با تحفه سعدیه قطب‌الدین شیرازی داشت. البته کشف این شباهت کار آسانی نبود و تنها یک گمانه اولیه ما را به بررسی سوق داد، اما مقایسه‌ای گسترده با دیگر شرح‌قانون، در نهایت همسانی کامل آن را با تحفه سعدیه آشکار ساخت. این یافته غیرمنتظره، ما را بر آن داشت تا با روشی نظام‌مند به واکاوی این ارتباط بپردازیم.

تحفه سعدیه یکی از مهم‌ترین شرح‌قانون فی الطب ابن سینا است که توسط قطب‌الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ ق.)، دانشمند برجسته دوره ایلخانی، تألیف شده است. او این اثر را در دهه نخست سده هشتم قمری و به نام سعدالدین ساوجی، وزیر غازان‌خان و شریک خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در امر وزارت، نگاشته است (۱۶-۱۷).

برای مطالعه شرح نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق. / ۱۲۷۴ م.) بر الاشارات و التنبیهاث ابن سینا از او کسب اجازه کرده بود (۲۲). بنابراین این دست‌نویس از زیر دست دو شاگرد برجسته قطب‌الدین شیرازی گذشته است و متنی قابل اطمینان برای بررسی ما به شمار می‌رود.

۴- نسخه موجود در کتابخانه بریتانیا متعلق به جلد چهارم شرح کلیات قانون، تألیف قطب‌الدین شیرازی، بوده و در مالکیت عمومی قرار دارد. این نسخه شامل ۱۶۲ برگ است و از منظر نسخه‌شناسی دارای ارزش تاریخی قابل‌توجهی می‌باشد. زیرا در سال ۷۱۵ قمری، یعنی تنها پنج سال پس از تکمیل تألیف اصلی، کتابت شده است.

ابن نفیس قرشی (برای شناخت صورت درست نام او نک: آرضائی، آیا ابن نفیس (ابن نفیس) است؟: پژوهشی در نام، لقب و کنیه علاء‌الدین قرشی (۲۰)) برجا مانده که اهمیت آن از این رو دوچندان می‌شود که در چینش مطالب دخل و تصرف نموده است. زین‌العرب باید استنساخ را پیش از درگذشت شیرازی (۷۱۰ ق. / ۱۳۱۱ م.) آغاز و یا به پایان رسانده باشد (۲۱). هفت مجلدی که توسط زین‌العرب استنساخ شده بود، در سال ۷۲۲ ق. / ۱۳۲۲ م. به برهان‌الدین عبری (متوفی ۷۴۳ ق. / ۱۳۴۳ م.) یکی دیگر از شاگردان نام‌آور قطب شیرازی فروخته شد، که او متعاقباً استنساخ جلد هشتم و نهایه التحفة السعدیة را سفارش داد. عبری که خود عالمی برجسته بود، زمانی شاگرد قطب‌الدین شیرازی بود و

جدول ۱: بررسی تطبیقی متن منسوب به علامه حلی با سه مورد از نسخه‌های خطی معتبر از کتاب تحفه سعديه

ویژگی	نسخه ۱۲۷۵ (منسوب به علامه حلی)	نسخه ۳۹۰۴ مجلس شورای اسلامی	کتابخانه بریتانیا المجلد الرابع من شرح کلیات القانون	ایاصوفیه ۳۶۵۶ المجلد الآخر من شرح کلیات القانون	نتیجه
آغاز متن	قال رحمه الله الفن الثالث من الكتاب الاول فصل و خمسه تعاليم الفصل في سبب الصحة والمرض و ضرورة الموت اما ذكر سبب الصحة والمرض في اوله الكلام في علم حفظ الصحة	ص ۱۳۰۴: قال رحمه الله الفن الثالث من الكتاب الاول فصل و خمسه تعاليم الفصل في سبب الصحة والمرض و ضرورة الموت اما ذكر سبب الصحة والمرض في اول الكلام في علم حفظ الصحة ...	کلیات القانون	کلیات القانون	تطابق
میانه متن	برگ ۸۶: قال رحمه الله الفصل التاسع في الادويه المسهله قال القرشي الفاظ هذا الفصل ظاهره و قد راينا	صفحه ۱۴۳۳: قال رحمه الله الفصل التاسع في الادويه المسهله قال القرشي الفاظ هذا الفصل ظاهره و قد راينا	صفحه ۱ پ: قال الشيخ رحمه الله الفصل التاسع في المسهله قال القرشي الفاظ هذا الفصل ظاهره و قد راينا	برگ ۲: قال الشيخ رحمه الله الفصل التاسع في الادويه المسهله قال القرشي الفاظ هذا الفصل ظاهره و قد راينا	تطابق
پایان متن	برگ ۲۱۳: فليكن هذا القدر من كلامنا المختصر في الاصول الكلية لصناعة الطب كافي و لناخذ في تصنيف كتابنا في الأدوية المفردة و	صفحه ۱۶۰۸: وليكن هذا القدر من كلامنا المختصر في الاصول الكلية لصناعة الطب كافي و لناخذ في تصنيف كتابنا في الأدوية المفردة و	صفحه ۱۴۳: فليكن هذا القدر من كلامنا المختصر في الاصول الكلية لصناعة الطب كافي و لناخذ في تصنيف كتابنا في الأدوية المفردة و لنقتد بالشيخ و بوصايا كما ختم الشيخ المتن	برگ ۱۸۰: فليكن هذا القدر من كلامنا المختصر في الاصول الكلية لصناعة الطب كافي و لناخذ في تصنيف كتابنا في الأدوية المفردة و لنقتد بالشيخ و بوصايا كما ختم الشيخ المتن	تطابق

لنقتد بالشیخ و نختم الشرح بوصایا کما ختم الشیخ المتن بوصیه	لیقتد بالشیخ و نختم الشرح بوصایا کما ختم الشیخ المتن بوصیه	نختم الشرح بوصایا کما ختم الشیخ المتن بوصیه	بوصیه
--	--	--	-------

علم، ارتباطات علمی، تصنیفات او و فضای فکری عصر ایلخانی، به تحلیل این مسئله می‌پردازیم.

۲-۱. نقد بیرونی: بررسی نظام‌مند منابع دست اول رجالی و کتابشناسی نشان می‌دهد که:

- علامه حلی در مقدمه کتاب خلاصه الأقوال، فهرست آثار خود را بدون ذکر هیچ اثر طبی ارائه می‌دهد؛ هرچند می‌دانیم این فهرست شامل همه آثار او نیست (۲۳).

- در أمل الآمل اثر حر عاملی، جلد ۲، صفحات ۸۵-۸۱، با وجود ذکر ۱۲۰ اثر از علامه، هیچ اشاره‌ای به تألیفات طبی او نشده است (۶).

- در لؤلؤة البحرين اثر ابن میثم بحرانی، صفحات ۲۲۶-۲۱۸، صرفاً به جنبه‌های فقهی و کلامی علامه تأکید شده است (۷).

- در أعیان الشیعة اثر محسن امین، جلد ۵، صفحه ۳۹۸ و جلد ۱، صفحه ۱۶۰، نه تنها به آثار طبی علامه اشاره نشده، بلکه در بخش «الأطباء والمؤلفون فی الطب من الشیعة» (پزشکان و نگارندگان شیعه در زمینه پزشکی) نیز از وی که از بزرگترین علمای شیعه است هیچ نامی نمی‌برد (۲۴). این نویسنده همچنین در کتاب دائرةالمعارف الإسلامية الشیعیة جلد ۱۱، صفحات ۱۸۷-۲۰۱، به بررسی احوالات علامه حلی به طور مفصل پرداخته، ولی هیچ بحثی از فعالیت‌های طبی یا علوم پزشکی مرتبط با او به میان نیاورده است (۲۵).

- در مکتبة العلامة الحلی اثر السید عبد العزیز الطباطبایی، صفحات ۱۱۵ و ۲۴۲، هرچند مؤلف اشاره می‌کند که نسخه‌ای از شرح بر قانون علامه حلی را نزد سید محمود مرعشی دیده (به احتمال بسیار زیاد همان دست‌نویس مورد بررسی این مقاله است)، اما در ادامه تأکید می‌کند که در هیچ کدام از منابع، شرحی بر قانون به علامه حلی نسبت داده نشده است، مگر در الذریعة إلى تصانیف الشیعة جلد ۱۳، صفحات ۳۸۹ نوشته آقابزرگ تهرانی (۲۶) و این انتساب را از متفردات ایشان می‌داند (۲۷).

در فرایند بررسی متن دست‌نویس مرعشی با سایر دست‌نویس‌های مذکور، تمام صفحات با مشابه آن در دیگر دست‌نویس‌ها مقابله شد و در نهایت این نتیجه حاصل گردید که این نسخه تطابق کامل با بخشی از متن تحفه سعیدیه دارد و از شرح «الفن الثالث من الكتاب الاول فصل و خمسة تعالیم» شروع می‌شود و به شرح عبارت «فلیکن هذا القدر من کلامنا المختصر فی الأصول الكلية لصناعة الطب کافیا و لنأخذ فی تصنیف کتابنا فی الأدوية المفردة» از کلام ابن سینا خاتمه می‌یابد. کتاب تحفه سعیدیه شرح کلیات قانون است که خود از چهار فن تشکیل شده است. این نسخه از ابتدای شرح الفن الثالث شروع شده و تا پایان کتاب را دربر دارد. این مشابهت نمایانگر این است که دست‌نویس یادشده، در اصل نسخه‌ای دیگر از کتابت شرح کلیات القانون فی الطب قطب‌الدین شیرازی است که با نام التحفة السعدیة شناخته می‌شود.

اکنون با دانستن یکسان بودن این دو متن، این پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود که بخش دوم پژوهش به آنها می‌پردازد: چرا و چگونه این انتساب نادرست شکل گرفته است؟ چه عوامل تاریخی باعث شده نسخه‌ای ناکامل از تحفه سعیدیه قطب شیرازی به اشتباه به علامه حلی نسبت داده شود و آیا این انتساب نادرست تصادفی بوده یا دلایل مشخصی داشته است؟ آیا می‌توان ارتباطی بین علامه حلی و محتوای پزشکی این اثر یافت؟ آیا زمینه‌های فکری یا اجتماعی خاصی در فهم تاریخی از دوره ایلخانی این اشتباه را توجیه می‌کند؟ این خطا چه درس‌هایی برای پژوهش‌های نسخه‌شناسی آینده دارد و چگونه می‌توان از تکرار چنین اشتباهاتی در انتساب آثار جلوگیری کرد؟ این پرسش‌ها ما را به واکاوی عمیق‌تر در زمینه‌های تاریخی و فرهنگی این انتساب نادرست سوق می‌دهد. در بخش بعد، با بررسی جایگاه علامه حلی در تاریخ

قواعد یا اصول کلی در دانش منطق به عنوان روش‌شناسی علوم عقلی بوده و نه کتاب معروف پزشکی القانون فی الطب ابن سینا. گفتنی است علامه حلی به عنوان متکلم شیعی که با پیروی از استادش خواجه نصیرالدین طوسی، به نوعی الهیات عقلانی گرایش داشت، توجه ویژه‌ای به دانش منطق داشته است. استاد مرحوم محسن بیدارفر در مقدمه تصحیح خود بر اثر مشهور منطقی علامه حلی با نام الجوهر النضید، دست کم چهار اثر منطقی مستقل را به او نسبت می‌دهد که کتاب حاضر نیز یکی از آنهاست. افزون بر این آثار مستقل، چنانکه استاد بیدارفر نیز اشاره کرده‌اند، چند اثر دیگر علامه نیز شامل بخشی درباره دانش منطق هستند (۲۹).

کتاب دیگر کشف المکنون من کتاب القانون است که در کتاب مکتبه العلامة الحلی عبدالعزیز طباطبایی که پیشتر بدان اشاره شد، بدون هیچ توضیحی درباره عنوان کتاب یا منبع مورد استفاده، در زمره آثار علامه حلی آورده شده است. با توجه به تکرار دو واژه «مکنون» و «قانون» در عنوان دو کتاب، می‌توان حدس زد که به احتمال بسیار زیاد این عنوان، اشاره به همان کتاب پیشین دارد که در اثر بدخوانی یا خط‌خوردگی در نسخه خطی بدین شکل تغییر یافته است. یادآوری این نکته نیز روشن‌گر است که تلازم واژه «قانون» و «منطق» در دوره علامه حلی امری شایع بوده و علامه نیز چنانکه از عنوان این اثر برمی‌آید، از این تلازم به نیکی آگاه بوده است. کافی است بدانیم که همزمان با علامه، کتاب درسی مهمی که در دانش منطق تدریس می‌شده، اثری با عنوان الرسالة الشمسیة، نگاشته نجم‌الدین کاتبی قزوینی (متوفی ۶۷۵ ق.) بوده است. می‌دانیم که علامه حلی خود نزد مؤلف این کتاب، محتوای آن را فراگرفته و شرحی نیز با عنوان القواعد الجلیة فی شرح الرسالة الشمسیة بر آن نوشته است. در این کتاب دانش منطق این‌گونه تعریف شده است: «المنطق آلة قانونية تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ فی الفكر». منطق ابزاری است از نوع قانون و قاعده که درست به کار بردن آن، ذهن را از خطای در اندیشه مصون می‌دارد.

کتاب دیگر المقاصد الوافیة بفوائد القانون و الکافیة است که به نقل از خود علامه حلی در کتاب خلاصة الأقوال در موضوع

مقدم بر این آثار، در قرن دهم و یازدهم قمری، نام علامه حلی در کتابی دیگر در حوزه تاریخ پزشکی ظاهر شده که حائز اهمیت است:

– مجمع النفایس و حجة العرائس نگاشته سالک‌الدین محمد حموی (۲۸) اثر سالک‌الدین حموی، صفحات ۳۲۲ و ۳۲۳: نویسنده که از خاندانی شناخته‌شده در پزشکی و روایت حدیث برآمده، مدعی شده کتاب‌های مشهور پزشکی آن دوره را نزد پدر (استاد) ش خوانده و فهرست کرده است. نکته جالب آن که وی از شرح قانون منسوب به علامه حلی به صورت مجهول یاد کرده و تصریح نموده که خود آن کتاب را ندیده است.

«و قیل: إنَّ الشیخ الأجلَّ الفقیه النبیه، الشیخ جمال الملة والفتوی والدین، مطهر الحلی - قدس الله روحه العزیز - قد شرح القانون، لکن ما رأیته» (تأکید از نویسندگان مقاله است).

شایان ذکر است که مصححان حجة العرائس برای اثبات این ادعا در پاورقی به دو اثر استناد کرده‌اند: یکی کتاب الذریعة آقابزرگ تهرانی که پیشتر اشاره شد و دیگری کتاب هدیه العارفین أسماء المؤلفین و آثار المصنفین از اسماعیل پاشا بابانی بغدادی که در آن به دو اثر دیگر از علامه حلی که نام «قانون» در عنوان آن‌ها وجود دارد اشاره شده است: الدر المکنون فی علم القانون و المقاصد الوافیة بفوائد القانون و الکافیة. ظاهراً مصححان با توجه به عدم وجود عنوان شرح القانون فی الطب در میان آثار علامه حلی، در پی یافتن عناوینی بوده‌اند که به نحوی دال بر وجود چنین شرحی باشد. پس از آن که پیشتر به وضوح مشاهده شد که تشابه عنوان‌ها، موجب گمراهی محققان و فهرست‌نگاران در عصر معاصر شده است، در این بخش برای روشن‌شدن موضوع، تمامی کتاب‌های منسوب به علامه حلی با عناوین مشابه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

یکی از تألیفاتی که اکثر منابع کتاب‌شناسی بر آن اذعان دارند، کتابی با عنوان الدر المکنون فی شرح علم القانون است. شایان توجه است که علامه حلی خود در خلاصة الأقوال تصریح دارد که این اثر درباره دانش منطق است. این امر نشان می‌دهد که منظور از علم القانون در عنوان این کتاب، اشاره به

۱-۱-۱. **فارابی (متوفی ۳۳۹ ق.:** هرچند فارابی در نظریه‌پردازی طبی مباحثی را بیان نموده و رساله‌های کوتاه مستقلی نیز در مبانی پزشکی نگاشته است و نگارندگان آثار پزشکی مانند قطب‌الدین شیرازی در شرح کلیات قانون خود به او استناد کرده‌اند و نیز در آثاری چون *أهل المدينة الفاضلة* عباراتی وجود دارد که نشان از آگاهی او از اصول پزشکی دارد (۳۱)، اما در منابع معتبر (مثل *تاریخ الحکماء* قفطی و *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*) هیچ سندی دال بر فعالیت بالینی پزشکی او یافت نمی‌شود (۳۲-۳۳).

۱-۱-۲. **خواجه نصیرالدین طوسی (متوفی ۶۷۲ ق.:** خواجه طوسی نیز به روایت علامه قطب‌الدین شیرازی (بر اساس زندگی‌نامه علمی خودنگاشت او در *مقدمه التحفة السعدیة*)، از دانش خوبی در پزشکی برخوردار بود؛ تا حدی که قطب شیرازی برای رفع مشکلات خود در مورد قانون ابن سینا نزد او درس می‌خواند (۱۷)، اما همین منبع تأکید می‌کند که دانش خواجه تنها به مبانی نظری دانش پزشکی محدود می‌شد و در حیطة بالینی دخالتی نداشته است. همچنین در صفحات ۲۳۷-۲۳۵ اجازات ابن میثم بحرانی هیچ اشاره‌ای به فعالیت پزشکی بالینی او دیده نمی‌شود (۷).

۱-۲. **تحلیل جایگاه علامه حلی:** با این معیارهای تطبیقی می‌توان دریافت که علامه حلی نیز با وجود اشاره به مباحث نظری دانش پزشکی در آثارش، از جمله در کشف المراد هنگام بحث از طبیعیات در فصل چهارم با عنوان «فی الجواهر المجردة فی أنواع الإحساس»، صفحه ۲۰۶، و نیز تعریف تندرستی و بیماری در همین کتاب (۳۴)، در واقع همانند فارابی و خواجه طوسی، یک فیلسوف نظری در حوزه طب محسوب می‌شود و نه یک پزشک بالینی. این موضوع را می‌توان از فهرست آثار برجای مانده او نیز دریافت که فاقد هر گونه نشانه‌ای از توجه عمیق وی به دانش پزشکی بالینی و آموزش رسمی این رشته است.

۱-۳. **بررسی صحت انتساب آثار علامه حلی:** در مسئله انتساب قطعی آثار به علامه حلی، اختلاف‌نظرهای جدی میان محققان وجود دارد. برای مثال صفی شلمزاری معتقد است که از میان تمام کتاب‌های منسوب به وی، تنها ۱۰۱ اثر را

علم نحو نگارش شده است. عنوان *الکافیة* نیز خود گویای این موضوع است. درباره یاد کرد واژه «القانون» در عنوان کتاب ابن سینا نیز همین بس که او خود اشاره کرده کتابش دربرگیرنده قوانین نظری و عملی دانش پزشکی است. در تفسیر واژه قانون نیز شارحانی مانند فخر رازی توضیح داده‌اند که قانون صورت کلی منطق بر جزئیات را گویند؛ به گونه‌ای که احکام امور جزئی از آن تصویر کلی استنباط شود (۳۰).

علاوه بر عنوان کتاب‌هایی که حاوی واژه قانون هستند، علامه حلی کتاب دیگری نیز با عنوان *الرسالة السعدیة* دارد که در مورد اصول و فروع دین بوده و برای وزیر شاه خدابنده (سعدالدین ساوجی، محمد بن علی)، همان مخدومی که قطب‌الدین تحفه خود را به نام او کرده، نگاشته شده است. تشابه اسمی آن با کتاب *التحفة السعدیة* ممکن است به ایجاد این خطا دامن زده باشد. اضافه این که هر دو اثر به نام یک فرد از رجال بلندپایه عصر ایلخانان مغول (سعدالدین ساوجی) نگاشته شده است.

در جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت، هیچ منبعی به طور مستقیم (از منبعی غیر از نسخه مورد بررسی) و مشخص بیان نمی‌کند که علامه حلی نگارشی در شرح قانون ابن سینا داشته است، اما مشابهت به کارگیری واژه «قانون» در دو شاخه پزشکی و منطق سبب شده است که برخی پژوهشگران، آثار منطقی علامه حلی را به اشتباه اثری در شرح کتاب قانون پزشکی ابن سینا تلقی کنند.

بحث

۱. **جایگاه علامه حلی در تاریخ علم، اشتغال به پزشکی و زمینه‌های تاریخی انتساب نادرست**

۱-۱. **تمایز طب نظری و عملی: مطالعه موردی تطبیقی:** در تاریخ علم اسلامی، نمونه‌های متعددی از علمای مشهور وجود دارند که اگرچه به مباحث طبی آشنایی داشتند، اما هرگز به عنوان پزشک شناخته نشدند. در اینجا تنها به ذکر دو تن از دانشمندان برجسته شرق جهان اسلام، که مورد توجه علامه حلی نیز بوده‌اند، اکتفا می‌کنیم:

علامه حلی علوم منطق، فلسفه و هیئت را نزد ایشان فراگرفت. خواجه طوسی همچنین تأثیر عمده‌ای بر پژوهش‌های منطقی علامه حلی داشت. سید بن طاووس و سید احمد بن طاووس، ابن میثم بحرانی، که استاد علامه در علم کلام بود. جمال‌الدین حسین بن ایاز نحوی، شمس‌الدین کیشی (۳۷)، نجم‌الدین ابوالمعالی علی بن عمر کاتبی که نویسنده الرسالة الشمسیة در منطق است و پیشتر از آن سخن رفت. برهان‌الدین نسفی، شیخ فاروقی واسطی و شیخ تقی‌الدین عبدالله بن جعفر کوفی (۳۸).

۲-۴-۱. شاگردان علامه حلی: علامه حلی شاگردان زیادی تربیت کرد که بسیاری از آنان خود از علمای برجسته عصر خویش شدند، از جمله شاگردان معروف ایشان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: فخرالمحققین، که فرزند علامه حلی بود، سید عمیدالدین عبدالمطلب و سید ضیاءالدین عبدالله حسینی اعرجی حلی، که خواهرزاده‌های علامه بودند. قطب‌الدین رازی تحتانی، که برجسته‌ترین و مهم‌ترین شاگرد علامه حلی در منطق به شمار می‌رفت و صاحب آثاری تأثیرگذار شد. سید محمد بن قاسم حسنی (مشهور به ابن معیه)، رضی‌الدین ابوالحسن علی بن احمد حلی، سید نجم‌الدین مهنا بن سنان مدنی و محمد بن علی جرجانی (۳۸).

این شبکه علمی استادان و شاگردان، کمترین ارتباط را با حرفه پزشکی نشان می‌دهد و هیچ نشانه‌ای از تخصص اساتید او در پزشکی، تحصیل خودش در این رشته، یا تدریس پزشکی توسط وی به چشم نمی‌خورد.

۳-۴-۱. رابطه علامه حلی و قطب‌الدین شیرازی: رابطه علامه حلی و قطب‌الدین شیرازی از چند جهت قابل بررسی است:

۱-۳-۴-۱. معاصرت: این دو دانشمند از چهره‌های برجسته قرن هفتم و اوایل قرن هشتم قمری بودند. قطب‌الدین شیرازی در سال ۶۳۴ قمری متولد شد و در سال ۷۱۰ قمری وفات یافت. علامه حلی در سال ۶۴۸ قمری به دنیا آمد و در سال ۷۲۶ قمری درگذشت. بنابراین، قطب‌الدین شیرازی حدود ۱۴ سال از علامه حلی بزرگ‌تر بود.

۱-۳-۴-۲. حلقه مشترک استادان

می‌توان با اطمینان به او نسبت داد، ۲۳ اثر مشکوک هستند و ۱۰ اثر نیز کاملاً مردود شناخته شده‌اند (۲). این تردیدها به یک یا دو اثر محدود نبوده، بلکه پدیده‌ای گسترده است که سید عبد‌العزیز طباطبایی در کتاب مکتبه العلامة الحلی به تفصیل به آن پرداخته است. وی در بخش پایانی اثر خود فهرستی مفصل از انتسابات مشکوک را برشمرده و جالب توجه آنکه شرح قانون منسوب به علامه حلی نیز در میان این آثار قرار دارد. موضوع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که می‌بینیم برخی آثار علامه حلی با نوشته‌های دیگران - مانند کتاب کشف المقال ابن داوود حلی - مشابهت دارد، اگرچه برخی محققان چون آقابزرگ تهرانی چنین انتساب‌هایی را رد کرده‌اند (۲۶). وجود این اختلاف‌نظرها نشانی بر ابهامات جدی در این زمینه است. حتی در مورد آثاری که به ظاهر قطعی به نظر می‌رسند، مانند شروح متعدد بر الإشارات والتنبیهاث ابن سینا، تردیدهایی مطرح شده است. این تردیدها سبب شده شیخ بهایی در دفاع از انتساب شروح علامه بر اشارات بوعلی، به وجود دست‌نویسی از این آثار علامه حلی در کتابخانه شخصی خود استناد نماید. مقدس اردبیلی نیز با تأیید این مطلب، به این نکته مهم اشاره دارد که گاه برخی تألیفات قطعی علما در فهرست‌های شخصی آنان ذکر نشده‌اند (۳۵).

در مورد تفسیر نهج‌البلاغه منسوب به علامه نیز تردیدهایی وجود داشت که پژوهش‌های بعدی نشان داد این اثر همزمان با حیات علامه حلی به قلم نگارنده دیگری تألیف شده و انتساب آن به علامه حلی نادرست است (۳۶). بنابراین، باید توجه داشت که هرکدام از آثار منتسب به علامه حلی که مورد تردید است، نیازمند تحقیقات عمیق‌تر و بررسی‌های نسخه‌شناختی دقیق‌تری است.

۴-۱. شبکه علمی علامه حلی و ارتباط با پزشکی

۱-۴-۱. اساتید علامه حلی: علامه حلی تحت تعلیم و تربیت استادان برجسته‌ای پرورش یافت و پیش از رسیدن به سن بلوغ به درجه اجتهاد نائل آمد. مهم‌ترین استادان وی که در منابع تاریخی به آن‌ها اشاره شده، عبارتند از: پدر ایشان، شیخ یوسف سدیدالدین، که خود از متکلمان و علمای اصول در حله بود، دایی ایشان، محقق حلی، خواجه نصیرالدین طوسی، که

است. این امر، نقش او را به عنوان یک طبیب عملی برجسته می‌کند.

۱-۳-۴. **روابط در مراغه:** قطب‌الدین شیرازی برای حل مشکلات خود از کتاب قانون، به مراغه نزد خواجه نصیرالدین طوسی رفت و بعدها نیز در تبریز رحل اقامت افکند (۱۷). علامه حلی نیز در زمان همکاری با وزیر ایلخانی، رشیدالدین همدانی، در مراغه به سر می‌برد که هم‌زمان با «ظهور ابن سیناگرایی در مراغه» بود. این اشتراک در حضور در مرکز علمی مراغه، نشان‌دهنده محیط فکری مشترک آن‌هاست (۱۱).

در این دوره توجه زیادی به آثار ابن سینا وجود دارد که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود.

۲. **شروح بر «قانون»، «شفا» و «اشارات» ابن سینا در سده‌های هفتم و هشتم قمری:** در این دوره، دانشمندان برجسته‌ای به شرح آثار ابن سینا پرداخته‌اند:

۱-۲. **شروح بر «القانون فی الطب»:** امام فخرالدین رازی (متوفی ۶۰۶ ق.) شرحی بر قانون داشته که قطب‌الدین شیرازی آن را بیشتر جرح کتاب دانسته و نه شرح آن (۱۷). همچنین ابراهیم بن علی سلمی مصری، معروف به قطب مصری (قرن هفتم ق.) و شاگرد فخر رازی، کتابی با عنوان شرح مشکلات قانون نگاشته است (۴۲). نجم‌الدین نجخوانی (متوفی قبل از ۶۵۱ ق.) و رفیع‌الدین جیلی (متوفی ۶۴۱ ق.) نیز از شارحان مورد اشاره قطب‌الدین شیرازی بودند (۱۷، ۱۹). کمال‌الدین حمصی (د ۶۱۲ ق.) تعلیقاتی بر کلیات قانون داشته، چنانکه ابن ابی اصیبعه اثری با عنوان تعلیق علی الکلیات من کتاب القانون را برای او ذکر کرده است (۳۳). نجم‌الدین لبودی (۶۷۰ ق.) مؤلف اثر اختصار کلیات قانون و شرف‌الدین رحبی (م ۶۶۷ ق.) و ابومحمد عبد الولی بن قراتکین (متوفی ۶۲۹ ق.) نیز شارح قانون بوده‌اند. همچنین فخرالدین ابن ساعتی (قرن ششم و هفتم ق.) حواشی بر قانون بوعلی نوشته است (۳۹). أفضل‌الدین خونجی (متولد ۵۹۰ ق.) شرحی بر کلیات قانون ابن سینا دارد که ابن قفّ در شرح ۶ جلدی خود بر کلیات قانون ابن سینا، از پاسخ‌های او بر ایرادات فخرالدین رازی استفاده کرده است (۴۳). ابن القف

– **خواجه نصیرالدین طوسی:** هر دو از شاگردان خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق.) بودند. قطب‌الدین شیرازی هیئت و بخش‌هایی از کتاب قانون را نزد خواجه طوسی فراگرفت. علامه حلی نیز علوم منطق، فلسفه و هیئت را نزد او آموخت.

– **شمس‌الدین کیشی:** قطب‌الدین شیرازی، علم طب را نزد پدر و عموی خود، کمال‌الدین ابوالخیر مصلح کازرونی، و سپس نزد شمس‌الدین محمد کیشی و شرف‌الدین زکی بوشکانی فراگرفت (۳۹). بنا به گفته قطب‌الدین شیرازی، شمس‌الدین کیشی در تدریس کلیات قانون در مباحث نظری پزشکی فردی شناخته شده بود. حواشی او بر مجلد قرابادین داروهای ترکیبی نشان از این دارد که توجه او به پزشکی تنها به مبانی نظری نبوده و حتی در سال‌های پایانی عمر به مطالعه بخش‌های کاربردی پزشکی می‌پرداخته است (۴۰). در مقابل علامه حلی نزد شمس‌الدین کیشی از دانش فقه شافعی بهره‌مند می‌شد. وی در اجازه‌نامه‌های خود از کیشی به عنوان استادش در فقه و حدیث نام برده، ولی هیچ اشاره‌ای از تحصیل پزشکی وی نزد کیشی در منابع دیده نمی‌شود (رجوع کنید به بخش بررسی منابع تاریخی و رجالی).

– **نجم‌الدین دبیران کاتبی قزوینی:** وی در فلسفه، منطق، علوم طبیعی و متافیزیک استاد علامه حلی (۱۴، ۲۵) و در نجوم، ریاضی، منطق، حکمت و طب استاد قطب‌الدین شیرازی بود (۴۱).

۱-۳-۳. **روابط فکری و علمی:** هرچند علامه حلی و قطب‌الدین شیرازی هر دو در حوزه دانش ابن سینا قلم زده‌اند، اما رویکرد و زمینه اصلی تخصص آن‌ها متفاوت بوده است. علامه حلی عمدتاً در فقه، کلام، منطق و اصول شهرت دارد، در حالی که علامه قطب‌الدین شیرازی طبیب، فیلسوف، طبیعی‌دان و ستاره‌شناس برجسته‌ای بود و آثار مهمی در طب، نجوم و فلسفه دارد. او از کودکی علاقه شدیدی به کسب دانش پزشکی داشته و پس از مرگ پدرش که خود طبیب بیمارستان مظفری شیراز بود، در ۱۴ سالگی به جای پدر به طبابت و کحالی (چشم‌پزشکی) در آن بیمارستان مشغول شده

شرحی بر اشارات دارد که به دستور ملک مظفر تألیف شده است. نجم‌الدین نخجوانی (۶۴۸-۵۸۶ ق.) نیز شرحی انتقادی با عنوان زبده النقص و لباب الکشف نگاشته است. خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ ق.) حل مشکلات الإشارات را نگاشت که به رفع ابهامات متن و پاسخ به نقدهای فخر رازی پرداخته است (۲۲). ابن کمونه (متوفی ۶۷۶ ق.) شرحی مزجی با عنوان شرح الأصول والجمل فی مهمات العلم والعمل نگاشت که شرف‌الدین محمد مسعود بن محمدالمسعودی نیز تعلیقاتی بر آن دارد. شمس‌الدین سمرقندی (۷۰۴-۶۳۸ ق.) نیز شرحی بر اشارات بوعلی نگاشت (۴۹). بدرالدین توستری (۷۳۲-۶۶۹ ق.) شرحی بر اشارات با عنوان المحاکمة بین نصیرالدین والرازی دارد. علامه حلی (۷۲۶-۶۴۷ ق.) نیز چهار شرح بر اشارات با نام‌های ایضاح المعضلات، بسط الإشارات، الإشارات إلى معانی الإمارات و المحاکمات بین شرح الإشارات نگاشت. قطب‌الدین رازی تحتانی (متوفی ۷۶۶ ق.)، مهم‌ترین شاگرد علامه حلی در منطق، با المحاکمات بین شرحی الإشارات به داوری بین آراء فخر رازی و خواجه طوسی پرداخت (۵۰).

این شروح نشان‌دهنده سنت پویای شرح‌نویسی بر کتاب اشارات ابن سینا در این دوره است که هر یک با رویکردی خاص (انتقادی، دفاعی، تحلیلی) به تبیین این اثر پرداخته‌اند. این واقعیت که علامه حلی به‌عنوان یکی از شارحان آثار ابن‌سینا شناخته می‌شد و بسیاری از شارحان نامبرده افرادی چندرشته‌ای بودند که گاه هم بر آثار فلسفی بوعلی (به ویژه اشارات او) و هم بر القانون فی الطب او شرح می‌نوشتند، ممکن است باعث شده باشد که برخی از محققان به اشتباه واژه «قانون» در عنوان آثار منطقی او را به عنوان شرحی بر کتاب القانون بوعلی سینا تفسیر نمایند.

۳. کاربرد لقب «علامه»: لقب علامه به معنای «دانشمند بسیار دانا و صاحب فضل»، از لحاظ تاریخی منحصرأ به علامه حلی اختصاص نداشته است، اما بنا بر گفته صاحب کتاب *أعیان الشیعة*، علامه حلی نخستین فرد از امامیه بوده که با لقب «علامه» و «آیت‌الله» خوانده شده است:

(۶۳۰-۶۸۵ ق.) نویسنده شرح کلیات من کتاب القانون است که به همراه شرح ابن نفیس، کاملترین شروح بخش کلیات قانون در زمان خود به شمار می‌روند (۴۵-۴۴). علاء‌الدین ابن نفیس قرشی (د ۶۸۷ ق.) نیز از مهم‌ترین شارحان قانون است (۴۶). قطب‌الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ ق.) کتاب تحفه سعیدیه که جامع شروح متقدمین و متأخرین بر قانون است را نگاشته و در این شرح، سخنان یازده شارح پیش از خود را مورد نقد و بررسی قرار داده است. وی از سال ۶۸۲ تا ۷۱۰ قمری مشغول نگارش این اثر بوده است (۱۶). بعد از او زین‌العرب مصری (علی بن عبیدالله، متوفی ۷۷۰ ق.) و سدیدالدین کازرونی (پایان نگارش کتاب ۷۴۵ ق.)، به نگارش شرحی بر قانون بوعلی بر اساس تحفه سعیدیه قطب شیرازی پرداخته‌اند (۲۱). شمس‌الدین محمد بن محمود آملی (زندگی در عصر ألبجاتیو، هشتمین سلطان از سلسله ایلخانان. حکومت از ۷۰۳ تا ۷۱۶ ق.)، شاگرد علامه حلی نیز شرحی بر کتاب اول قانون دارد که در آن از کتاب قطب‌الدین شیرازی بسیار بهره گرفته است. البته در این اثر نامی از استادش علامه حلی و کتابی از او در زمینه پزشکی یا شرح قانون نمی‌برد (۱۶).

۲-۲. شروح بر «شفا»: علامه قطب‌الدین شیرازی توجه ویژه‌ای به بخش‌های مختلف کتاب الشفاء داشته و در شرح کلیات قانون خود به فراوانی از مباحث طبیعیات شفاء (به ویژه کتاب الحیوان) بهره برده است (۱۶). علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ق.) نیز کتابی با عنوان کشف الخفاء من کتاب الشفاء دارد که شرحی بر بخش مقولات شفا است. در همین راستا توجه افرادی مانند ماردینی و ابن‌ساعاتی و یا توجه انتقادی ولی گسترده عبد اللطیف بغدادی بر شفای بوعلی سینا قابل توجه است (۴۷).

۲-۳. شروح بر «اشارات»: فخرالدین رازی (۶۰۶-۵۴۳ ق.) تلخیصی با نام لباب الإشارات و شرحی انتقادی با عنوان الإشارات فی شرح الإشارات نگاشت که وجه انتقادی آن سبب شد تا خواجه طوسی آن را جرح بخواند نه شرح. همچنین سیف‌الدین علی آمدی (۶۳۱-۵۵۱ ق.) کشف التمویهات عن الإشارات را نوشت که نقدی بر شرح فخر رازی و دفاع از اشارات است (۴۸). رفیع‌الدین جیلی (وفات ۶۴۱ ق.) نیز

عنوانی که در همان زمان و تنها برای او و برای جمال ابن ابومنصور معروف به مطهر حلی به کار برده شده است» (۵۴). با این حال، تأکید بر این نکته ضروری است که برای درک درست کاربرد لقب «علامه»، توجه به بافت و زمینه نگارش اثر امری تعیین‌کننده است. برای نمونه در همان دوره گاه واژه علامه به فخرالدین رازی اختصاص داده شده (در شرح سامری بر القانون فی الطب) و گاه کاتبی قزوینی را علامه خوانده‌اند. آنچه مهم است این است که در سنت شرح‌نویسی بر القانون فی الطب، معمولاً وقتی علامه به صورت مطلق به کار رفته، مقصود قطب‌الدین شیرازی بوده است، اما از آنجا که در فرهنگ شیعی این واژه بیش از هر چیز به علامه حلی اشاره دارد، فهرست‌نویس کتابخانه مرعشی قم که در زیست بومی فرهنگی در حوزه‌های علمیه شیعه می‌زیسته، به طور طبیعی تصور کرده که مقصود از علامه در این دست‌نویس‌ها، علامه حلی است. این تصور به نوبه خود در کنار دیگر قراین مطرح شده در مقاله، به اشتباه در بازشناسی این اثر در نزد محققان بعدی انجامیده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با به‌کارگیری رویکردی دوسویه شامل تحلیل درون‌متنی (نسخه‌شناختی) و برون‌متنی (تاریخی)، به بررسی دقیق انتساب دست‌نویس شماره ۱۲۷۵ کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، که در فهرست‌ها به عنوان شرح القانون فی الطب ابن سینا توسط علامه حلی ثبت شده بود، پرداخته است. یافته‌های متنی پژوهش و مقابله دست‌نویس‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دست‌نویس مورد ادعا، تطابق کامل با بخشی از متن *التحفة السعدیة* قطب‌الدین شیرازی دارد. این انطباق کامل، انتساب این نسخه به علامه حلی را رد می‌کند. این مقاله با تحلیل تاریخی و برون‌متنی نشان می‌دهد که هیچ گزارش معتبری از نگارش کتابی مستقل در دانش پزشکی از علامه حلی در دست نیست. سپس به تبیین دلایل احتمالی انتساب کتابی در شرح قانون بوعلی سینا به او می‌پردازد. زمینه‌هایی که می‌توانند سبب این انتساب شده باشند را می‌توان اینگونه خلاصه نمود:

«هو العلامة علی الإطلاق الذی طار ذکر صیته فی الآفاق و لم يتفق لأحد من علماء الإمامیة أن لقب بالعلامة علی الإطلاق غیره. أمّا فی هذا الزمان فقد ابتدل لقب العلامة حتی أن بعض المعاصرين آلف کتابا و طبعه و لقب بالعلامة بعض ما [من] هو من العوام فی الحقيقة و يطلق علیه العلماء أيضا آیة‌الله (و کثرت بهذا الزمان أيضا)».

این گفته به معنای انحصار مطلق این عنوان یا عدم وجود القاب مشابه برای دانشمندان برجسته غیر امامیه نیست (۲۴). برداشت‌های متفاوت از کاربرد این لقب می‌توانسته به اشتباهات فهرست‌نویسان و تاریخ‌نگاران در نسخ خطی منجر شده باشد.

شواهد متنی فراوانی حاکی از آن است که در بسیاری از متون درسی، هنگامی که نام علامه به صورت مطلق به کار رفته، منظور علامه قطب‌الدین شیرازی بوده است. برای مثال تفتازانی در المطول، کتاب درسی مهم خود در علم بلاغت (معانی، بیان، بدیع)، به کرات از شرح قطب شیرازی بر مباحث بلاغت مفتاح العلوم سکاکی استفاده کرده و هر جا مطلق نام «علامه» یا «الشارح العلامة» را آورده، منظورش قطب شیرازی بوده است (۵۱). همچنین در شرح میرک بخاری بر حکمه العین دبیران کاتبی قزوینی، هر کجا علامه بدون ذکر نام آمده، منظور قطب‌الدین شیرازی است (۵۲). همین امر سبب شده که در نگاه اندیشمندان امروزی نیز مطلق نام «علامه» در متون تاریخی به قطب‌الدین شیرازی اشاره داشته باشد.

دکتر مهدی محقق: «دانشمندان از او به عنوان «علامه» یا «الشارح العلامة» یاد می‌کنند که به حق سزاوار چنان لقب و مرتبتی است» (۵۳).

آیت‌الله سید محمود مرعشی نجفی: «آن زمان که لقب‌های علمی معنی داشت و کسی را بی‌جهت حجه‌الاسلام و آیت‌الله و علامه نمی‌خواندند، ملا قطب را «علامه شیرازی» یا «الشارح العلامة» می‌نامیدند».

دکتر محمدتقی میر: «نقش مؤثر قطب‌الدین شیرازی در نوآوری‌های علمی در سایر حوزه‌های علم در تمدن اسلامی موجب شده تا او را با عنوان «علامه» در منابع بشناسیم،

ضروری به نظر می‌رسد. این مطالعه فروتنانه، همچنین اهمیت ترکیب تحلیل‌های متنی و دانسته‌های تاریخی را در روشن ساختن ابهامات مربوط به هویت نگاشته‌ها و نگارندگان در تاریخ علم دوره اسلامی برجسته می‌سازد.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

سهم نویسندگان

حامد آرزائی: ارائه ایده، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها و نگارش بخش‌هایی از مقاله؛
زهرا علمدار: جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و تفسیر داده‌ها و نگارش عمده مقاله؛
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تعارض منافع

در این پژوهش تعارض منافی برای نویسندگان وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

در تدوین این پژوهش، اصل امانتداری و صداقت استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، در حدّ توان رعایت شده است.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

- تشابه در کاربرد لقب «علامه» میان حسن بن یوسف بن مطهر حلی و قطب‌الدین شیرازی، که هر دو از دانشمندان برجسته و معاصر قرن هفتم و هشتم قمری بوده‌اند، می‌تواند موجب اشتباه فهرست‌نویس شده باشد.

- وجود چند اثر از علامه حلی که حاوی نام «قانون» در عنوان است به ویژه یک اثر با عنوان الدر المکنون فی شرح علم القانون که کتابی در زمینه منطق بوده و نه پزشکی. این موضوع به خطا در تشخیص قانون (کتاب ابن سینا) از «قانون» منطقی منجر شده است.

- وجود یک اثر دیگر با نام الرسالة السعدیة نیز که نه تنها در عنوان، مشابه التحفة السعدیة قطب‌الدین شیرازی است، بلکه هر دو به نام یک فرد نگاشته شده است.

- فعالیت‌های علمی علامه حلی در حوزه فلسفه و منطق ابن سینا (نظیر تألیف شرحی بر شفاء و شروخی بر اشارات) و حضور ایشان در بستر فکری عصر ایلخانی و مراغه که شاهد «ظهور ابن سیناگرایی» بود.

- عدم شواهد تاریخی برای اشتغال علامه حلی به پزشکی عملی یا تألیف مستقل در این زمینه، برخلاف قطب‌الدین شیرازی که فردی شناخته‌شده در دانش پزشکی بوده و تحفه سعدیه را برای وزیر ایلخانی تألیف کرده است. هرچند هر دو دانشمند استادان مشترکی نظیر خواجه نصیرالدین طوسی و شمس‌الدین محمد کیشی و نجم‌الدین کاتبی قزوینی داشتند، اما شواهدی مبنی بر تدریس پزشکی به علامه حلی یافت نشده است.

این پژوهش فراتر از تصحیح یک خطای فهرست‌نگاری، کوششی متواضعانه در به دست‌دادن الگویی برای واکاوی انتقادی انتسابات نامستند در میراث مکتوب اسلامی است. اینگونه اشتباهات در انتساب آثار، نه تنها هویت فکری یک دانشمند را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه دانسته‌های ما از شبکه ارتباطات میان متون و پیشرفت دانش را نیز دچار کژفهمی می‌کند. از این رو، تأکید بر ضرورت دقت‌ورزی‌های متن‌پژوهانه در تاریخ‌نگاری علم، به ویژه در زمینه فضای اجتماعی علمی، القاب دانشمندان و حوزه‌های تخصصی دانش در دوره‌ای خاص، برای جلوگیری از تکرار چنین اشتباهاتی

References

1. Anandaraj G. Towards An Integrated Approach To Manuscript Cataloguing: Bridging The Gaps. *Journal of Manuscript Studies*. 2023; 51(1): 117-127.
2. Safi Shalamzari S, Mojtahedi H. Political Thought and the Time of Allameh Hilli. *Political Sociology of Iran*. 2021; 4(2): 531-541. [Persian]
3. Momen M. An introduction to Shi'i Islam: The history and doctrines of Twelver Shi'ism. New Haven: Yale University Press; 2017.
4. Varzdār K, Barkhordāri Z. Examining the Authenticity of the Attribution of Risālat 'Uyūn al-Hikma to Ibn Sīnā. *Javidan-e Kherad*. 2022; 13(29): 171-190. [Persian]
5. Arezaei H. Avicenna and the Fear of Death: Correcting an Error Regarding a Monograph Attributed to Avicenna. *Avicennian Philosophy Journal*. 2021; 24(64): 79-94. [Persian]
6. Ḥurr Āmilī M, al-Ḥusaynī al-Ashkūrī A. *Amal al-Āmil fī 'Ulamā' Jabal Āmil*. Beirut: Dār al-Turāth al-Arabī; 2022. [Arabic]
7. Baḥrānī Y. *Lulwat al-Baḥrayn fī al-Ijāzāt va Tarājim Rijāl al-Ḥadīth*. Researched by Baḥr al-'Ulūm MS. Qom: Mu'assasat al-Bayt Li Ihyā' al-Turāth; 2020. [Arabic]
8. Zill al-Raḥmān. *Qānūn-i Ibn Sīnā: Shāriḥān va Mutarjīmān*. Translated by Hāshimī A. Tehran: Anjuman-i Āthār va Mafākhir-i Farhangī; 2004. [Persian]
9. Habashi A. *Jāmi al-Shurūḥ va al-Ḥawāshī*. Abu Dhabi: Hāyat Abū Zabī lil-Thaqāfa va al-Turāth; 2006. [Arabic]
10. Wisnovsky R. Towards a Genealogy of Avicennism. *Oriens*. 2014; 42(3-4): 323-363.
11. Wisnovsky R. On the emergence of Maragha Avicennism. *Oriens*. 2018; 46(3-4): 263-331.
12. Terrier M. Allama al-Ḥillī. In: Lagerlund H. Edited by *Encyclopedia of Medieval Philosophy: Philosophy between 500-1500*. Dordrecht: Springer Netherlands; 2019. p.1–11.
13. Hosain MH. al-Ḥasan. *Encyclopedia of Islam*. 1st ed. [Online]. Available at: <https://www.referenceworks.brill.com/view/entries/EI1O/SIM-2734.xml>.
14. Street T. Al-Allāma al-Ḥillī and the Early Reception of Kātibī's Shamsīya: Notes towards a study of the dynamics of post-Avicennan logical commentary. *Oriens*. 2016; 44(3-4): 267-300.
15. Faramarz Qaramaleki A. Mas'aleh-ye Aql va Dīn dar Tabīyn-i Mantīq-pazhūhī-yi Allāmah Ḥillīs. *Aql va Dīn*. 2010; 2(1): 111-128. [Persian]
16. Habibi N. An Introduction to and Selection from al-Ṭuḥfa al-Sa'diyya. *Hikmat-nāmah Mafākhir*. 2020; 11(5): 81-96. [Persian]
17. Jamshīdnizād-i Avval Gh. A Look at the Personality; views and works of Allāma Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī. *Hikmat-nāmah Mafākhir*. 2020; 11(5): 53-80. [Persian]
18. Şeşen R, Akpıkar J, İzgi C, İhsanoğlu A. *Fihris Makhṭūṭāt al-Ṭibb al-Islāmī fī Maktabāt Turkiyā*. Tehran: Iran University of Medical Sciences, Institute for the History of Medicine, Islamic Medicine and Complementary Medicine; 2007.
19. Mimura T. Quṭb al-Dīn Shīrāzī's Medical Work, al-Tuḥfa al-Sa'diyya (Commentary on volume 1 of Ibn Sīnā's al-Qānūn fī al-Ṭibb) and its Sources. *Journal for the History of Science*. 2012; 10(2): 1-3.
20. Arezaei H. Is He Truly Ibn al-Nafīs? A Study on the Name and Title of 'Alā' al-Dīn al-Qarashī. *Medical History Journal*. 2020; 12(44): 1-26. [Persian]
21. Eshera O, Savadi F. Zayn al-'Arab al-Miṣrī's Completion and Subsequent Abridgment of Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī's Commentary on Ibn Sīnā's Qānūn. *Arabica*. 2025; 72(3): 297-337.
22. Gacek A. The Osler Codex of Naīr al-Dīn al-ūsī's Commentary on Avicenna's al-Ishārāt va al-Tanbīhāt. *Journal of Islamic Manuscripts*. 2010; 1(1): 3-17.
23. Allama al-Ḥillī Ḥ. *Tartīb Khulāṣat al-Aqwāl fī Ma rifat al-Rijāl*. Mashhad: Astān Quds Razavī, Islamic Research Foundation; (Majmūah-i Āthār-i Allāmah-i Ḥillī). 2002. [Arabic]
24. Amin M, Amin H. *A'yān al-Shī'ah*. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil-Maṭbū'āt; 1983. Vol 1. [Arabic]
25. Amin H. *Dā'irat al-Ma'arif al-Islāmiyyah al-Shī'iyah*. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil-Maṭbū'āt; 1991. Vol.11. [Arabic]
26. Ṭīhrānī AB, Mohsen M, Husayni Ashkuri A. *al-Dharī'ah ilā Taṣānīf al-Shī'ah* Beirut: Dār al-Aḍwā; 1982. Vol.1. [Arabic]
27. Al-Ṭabāṭabā'ī SAA. *Maktabat al-'Allāmah al-Ḥillī*. 1st ed. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li-Ihyā' al-Turāth; 1996. Vol.1. [Arabic]
28. Hamūyī SM. *Dībācheh-i bar Mirās-e Nevīštārī-ye Pezeshkī-ye Īrān va Jahān az Dīrbāz tā Sadeh-ye 11 Hijrī*; *Majma' al-Nafā'is va Ḥijalat al-'Arā'is*. Researched and corrected by Jamshidnezhad Avval

- Gh, Zaker ME. Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly; 2017. Vol 1. [Persian]
29. Allama al-Hillī H. al-Jawhar al-Naḍīd fī Sharḥ Manṭiq al-Tajrīd. Corrected by Bidarfār M. Qom: Bidar; 1984. Vol 1. [Arabic]
30. al-Rāzī F. Sharḥ Mushkilāt Kitāb al-Qānūn. Researched and corrected by Ḥabībī N. 1st ed. Tehran: Kitābkhānah, Mūzah va Markaz-i Asnād-i Majlis-i Shūrā-yi Islāmī; 2020. [Arabic]
31. Fārābī A, Mulhim B. Arā Ahl al-Madīnah al-Fādilah va-Mudaddatuha. Beirut: Dar va-Maktabat al-Hilal; 1995. [Arabic]
32. Al-Qifī AA. Ta'rikh al-ḥukamā. Edited by Julius Lippert. Leipzig: Dieterich'sche Verlagsbuchhandlung; 1903. [Arabic]
33. Ibn Abī Uṣaybi'a Muwaffaq al-Dīn Abū al-'Abbās Aḥmad ibn al-Qāsim. 'Uyūn al-anbā' fī ṭabaqāt al-aṭibbā. Edited by Riḍā N. Beirut: Dār Maktabat al-Ḥayāh; 1965. [Arabic]
34. Allama al-Hillī H, al-Ṭūsī Naṣīr al-Dīn M, al-Mūsawī al-Zanjānī I. Kashf al-Murād fī Sharḥ Tajrīd al-Iṭiqād. Vol 1. Beirut: Mu'assasat al-'Alamī lil-Maṭbū'āt; 2020. [Arabic]
35. Al-Muqaddas al-Ardabili MA. Hadīqat al-Shī'ah. Edited by Zamānī-nizhād AA. Qom: Ansariyan; 2004. Vol 1. [Arabic]
36. Ali AH. The Canonization of Nahj al-Balāgha between Najaf and Hilla. Journal of the Contemporary Study of Islam. 2021; 2(1): 3-23. [Persian]
37. Jokar N. A Look at the Life, Works, and Thought of Shams al-Din Muhammad Kishi. Ayeneh Miras. 2007; 36-37(5): 81-98. [Persian]
38. Allama al-Hillī H. Irshād al-Adhhān ilā Aḥkām al-Īmān (from introduction). Researched and corrected by Bāqirī Siyānī M, Ni'matī M. Translated by Najafī Iṣfahānī M. Tehran: Anjuman-i Āthār va Mafākhir-i Farhangī; 2011. [Persian]
39. Razavi Burq'ī S. A Shirazi Medical Treatise Based on Ibn Sina's Qānūn: A Symbol of Research Methodology in Islamic Medical History. Hikmat-nāmah Mafākhir. 2011; 11(5): 109-140. [Persian]
40. Arezaei H. Wonders in the Natures, Wonders in the Margins: Newly Discovered Annotations by Shams al-Dīn al-Kīshī in Avicenna's Canon of Medicine. Journal for the History of Science. 2025; 22(2): 1-4. [Persian]
41. Jafari AA, Hosseini Hashemi Z, Alian F. Qutb al-Din Shirazi and His Role in the Advancement of Islamic Civilization. In: Memorial Volume of the International Conference on the Works and Life of Hakim Qutb al-Din Shirazi. Tehran: Rowaq Andisheh; 2016. Vol.1. [Persian]
42. Sulamī al-Misrī IA. Sharḥ Mushkilāt al-Qānūn (Islamic Complement Med). Tehran: Iran Univ Med Sci, Inst Hist Med; 2008. vol 1. [Arabic]
43. Fawzi N. Afzal al-Dīn Khunajī. In: Great Islamic Encyclopedia. 2019.
44. Yusuf Rahimlu. Ibn Quff. In: Great Islamic Encyclopedia. 2020;
45. Savage-Smith E. The Physician, Therapist and Surgeon Ibn al-Quff. Journal of the History of Medicine and Allied Sciences. 1980; 35(3): 351-353.
46. Sajjadi S. Ibn Nafis. In: Great Islam Encycl. 2020.
47. Eshera O. Reading Avicenna in Ayyubid Damascus: The Corrected and Glossated Manuscripts of Faḥr al-Dīn Ibn al-Sā'ātī. Oriens. 2025 Jul 15;53(1-2): 1-35.
48. Farāmarz Qarāmalakī A. al-Ishārāt va al-Tanbīhāt: Sar-āghāz-i Manṭiq-i Du Bakhshī. Āyīnah-i Pažūhish. 1994; 4(24): 38-49. [Persian]
49. Qanawati GS, Madkour IB, League of Arab States. General Secretariat. Cultural Administration, Amin AB. Works of Ibn Sina. Cairo: Dar al-Ma'arif; 1950. Vol 1. [Persian]
50. Gholami Mayani Y. Badr al-Din al-Tustari. In: Great Islamic Encyclopedia. 2020.
51. Jurjānī AM, Taftāzānī MU, Khaṭīb al-Qazwīnī MA, Sakākī YA. al-Muṭawwal. Qom: Dāwarī Bookshop; 1995. Vol.1. [Persian]
52. Kātībī al-Qazwīnī AU, Mīrak Bukhārī MM, Zāhidī J. Ḥikmat al-'Ayn va Sharḥuhu. Mashhad: Ferdowsi Univ Mashhad Press; 1974. Vol.1. [Arabic]
53. Muḥaqqiq M. Quṭb al-Dīn Shīrāzī and His Autobiographical Account. In: Memorial Volume of the International Conference on the Works and Life of Ḥakīm Quṭb al-Dīn Shīrāzī. Tehran: Ravāq Andisheh; 2016. [Persian]
54. Mar'ashī Najafī SM. Introduction to the Book of Quṭb al-Dīn Shīrāzī. In: Memorial Volume of the International Conference on the Works and Life of Ḥakīm Quṭb al-Dīn Shīrāzī. Tehran: Ravāq Andisheh; 2016. [Persian]